



۱۱

خوانش تاریخی از هنر انقلاب



۱۱

جامعه بیش از شاعر به داستان نویس نیاز دارد



پلاسکو نریخته بود که شعله هشتگ‌ها بلند شد

فرهنگ

پنجشنبه ۳۰ دی ۱۴۰۰ :: شماره ۶۱۳۵



یادداشت:
آرش شفاعی
فرهنگ و هنر

هایکو، لایلا اوتادی و باقی قضایا

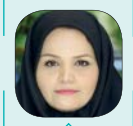
اخیرا بخشی از فیلم حضور لایلا اوتادی بازیگر سینما و تلویزیون در برنامه خندوانه در شبکه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است و دست به دست می‌شود.

در این ویدئو که البته متعلق به گذشته است، خانم اوتادی در برابر پرسش رامبد جوان درباره شعرهایش، توضیح می‌دهد که سبک شعری او هایکوست که در ایران چندان شناخته شده نیست و البته تأکید می‌کند که هایکو می‌تواند کوتاه یا بلند باشد و لزوما هایکو شعر کوتاه نیست.

در این یادداشت می‌خواهم کمی درباره صحبت‌های این خانم بازیگر بنویسم. البته من برخلاف بسیاری از فعالان عرصه فرهنگ و ادبیات اصلا معتقد به این نیستم که شعر و داستان، ملک طلق کسی است و بازیگران و دیگر هنرمندان رشته‌های دیگر هنری حق ندارند به این عرصه وارد شوند. اتفاقا معتقدم ورود هرکس استعداد و ذوقی دارد به این عرصه، باعث می‌شود ادبیات بیشتر از گذشته رشد کند. منتها این ورود، باید با آگاهی و اطلاعات کامل همراه باشد و به‌خصوص درباره یک چهره نام‌آشنا که مورد توجه گروه‌های زیادی از مردم بخصوص است، نباید

اطلاعات نادرست به مخاطبان داد. برخلاف نظر سرکار خانم اوتادی، قالب شعری هایکو در ایران بسیار شناخته شده است. ما پیش از نیم قرن است که این قالب شعری را می‌شناسیم. کتاب «هایکو: شعر ژاپنی از آغاز تا امروز» که عسکری پاشایی و احمد شاملو قبل از انقلاب آن را منتشر

کرده‌اند، تحقیقی جامع درباره این قالب شعری است و جامعه ادبی ایران نه تنها هایکورا می‌شناسد، بلکه تحت تأثیر آن برخی قالب‌های ابداعی نیز به مجموعه پیشینه‌های ادبی در کشور ما اضافه شده است و شاعران نام‌های مختلفی چون طرح، شعرک، نام پریسکه به این قالب‌ها داده‌اند. البته این قالب‌ها شکل ایرانی شده هایکوی ژاپنی هستند، چرا که هایکو تک‌عکس‌هایی از طبیعت است و بر مبنای تصویرهای عینی ساخته شده است. اما تقلیدهای ایرانی این قالب، تصویرهای ذهنی و بی‌ارتباطی را نیز به هایکوار اضافه کرده‌است. بازم به‌خلاف نظر خانم اوتادی، اصلا ممکن نیست کسی هایکوی بلند بگوید. هایکو بر مبنای امکانات زبان ژاپنی و به صورت هجایی سروده می‌شود و شامل ۱۷ هجای می‌شود. به همین دلیل ممکن نیست کسی بتواند هایکوی بلند بگوید. همان‌طور که ممکن نیست کسی دوبیتی بلند بسراید، چون اصولا دوبیتی دو بیت دارد! به هرحال لازم دیدیم این توضیحات را برای کسانی که ویدئوی صحبت‌های این بازیگر محترم را دیده‌اند و مانند ایشان اطلاعات کافی درباره قالب‌های ادبی و شعر امروز ندارند، ارائه دهیم و البته امیدواریم که مجموعه‌های تازه شعری خانم اوتادی را که قبل از انتشار توسط ویراستارانی حرفه‌ای و مسلط بر ادبیات، ویرایش شده‌اند؛ خیلی زود بخوانیم و به خوانندگان مان معرفی کنیم.



آذر مهاجر
ادبیات و هنر

در دهه‌های اخیر رابطه فرهنگی ایران و روسیه اما شکل دیگری پیدا کرده و به عبارتی باید گفت آن روزگار سپری شده. حالا این جاده چندان هم یک‌طرفه نیست و این روزها که رئیس جمهور ایران به روسیه سفر کرده، زمینه‌هایی درباره تقویت روابط فرهنگی ایران و روسیه شنیده می‌شود که جزئیاتش را مسعود احمدوند، راینر فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در روسیه شرح داده است:

در مسیر تازه

همین دیروز و همزمان با سفر ایران به روسیه، معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از قرار گرفتن رابطه فرهنگی ایران و روسیه در مسیر تازه خبر داد و از بخش زبان روسی نونیزور رونمایی شد. در این سال‌ها اتفاقات دیگری هم در رابطه فرهنگی ایران و روسیه رخ داده است که رونمایی از تندیس شعری ایران در شهرهای روسیه و برگزاری هفته‌های فرهنگی از آن جمله‌اند. مسعود احمدوند، راینر فرهنگی ایران در روسیه درباره برنامه‌های فرهنگی سفر رئیس جمهور کشورمان به روسیه به جام جم می‌گوید: اهتمام رئیس جمهور به موضوعات فرهنگی در این سفر از مواردی است که در آن تردیدی وجود ندارد. ایشان سه برنامه مهم در روسیه دارند که عبارت است از: حضور و سخنرانی در جمع اساتید و دانشجویان دانشگاه دولتی مسکو، حضور در مسجد جامع روسیه و نیز دیدار با ایرانیان مقیم روسیه.

راینر فرهنگی کشورمان در روسیه، درباره اهمیت این دیدارها توضیح می‌دهد: حضور رئیس جمهور کشورمان در مسجد جامع روسیه و سخنرانی در جمع علمای اهل تسنن و تشیع و نمازگزاران به دعوت رئیس اداره دینی این مسجد صورت گرفته و از این بابت مهم است که در جمعیت ۱۴۷ میلیونی روسیه ۳۰ میلیون نفر مسلمان هستند و از این جمعیت بخش زیادی بومی هستند. امسال جشن ۱۱۰۰ سالگی پذیرش رسمی دین اسلام در برخی نقاط روسیه از جمله تاتارستان و ولگا برگزار شده است.

احمدوند درباره اهمیت سخنرانی رئیس جمهور کشورمان در جمع اساتید دانشگاه دولتی مسکو، به گفتمان دولت جدید در سیاست خارجی اشاره کرد و آن را پیامی در راستای تحکیم روابط فرهنگی برشمرد.

راینر فرهنگی ایران در روسیه با اشاره به رابطه پر فراز و نشیب کشورمان با همسایه شمالی می‌گوید: همچنان که این ارتباط اوج و فرودهای بسیار داشته، فرهنگ نیز متأثر شده ولی همیشه روسیه به شناخت ایران علاقه مند بوده و گام‌هایی در این زمینه برداشته است.

رابطه ما و همسایه شمالی در گذر تاریخ اوج و فرود کم نداشته و تا سال‌های زیادی رابطه ما و روسیه دست‌کم در حوزه فرهنگ به یک جاده یک‌طرفه بیشتر شباهت داشت. مثلاً توقع نمی‌رفت الکساندر گریبایدوف، نمایشنامه‌نویس، شاعر و آهنگساز روس در تدوین و عقد عهدنامه ترکمانچای نقش فعال داشته باشد یا وقتی به‌عنوان سفیر صاحب‌اختیار روسیه تزاری در ایران حضور پیدا کرد، آن غائله که درباره زنان گرجی به پا کرد، دور از انتظار می‌نمود.

نمونه دیگر این رابطه یک‌سویه به سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی ایران برمی‌گردد که سفارت روسیه در ایران کتاب‌های ادبی روسیه از جمله آثار جخوف، ماکسیم گورکی و... را به فارسی ترجمه و به قیمت اندک در اختیار مردم ایران قرار می‌داد.

در دهه‌های اخیر رابطه فرهنگی ایران و روسیه اما شکل دیگری پیدا کرده و به عبارتی باید گفت آن روزگار سپری شده. حالا این جاده چندان هم یک‌طرفه نیست و این روزها که رئیس جمهور ایران به روسیه سفر کرده، زمینه‌هایی درباره تقویت روابط فرهنگی ایران و روسیه شنیده می‌شود که جزئیاتش را مسعود احمدوند، راینر فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در روسیه شرح داده است:

او درباره اهمیت ایرانشناسی در روسیه یا دلیل علاقه روس‌ها به شناخت ایران توضیح می‌دهد: بیش از ۳۰۶ سال پیش، پترکبیر پنج نفر را به اصفهان می‌فرستند تا زبان فارسی را بیاموزند و به عنوان مترجم مشغول به کار شوند. این شاید اولین تلاش روس‌ها برای شناخت ما باشد.

احمدوند اضافه می‌کند: از سال ۱۷۳۲ میلادی یعنی نزدیک به ۳۰۰ سال قبل وزارت خارجه روسیه به تربیت مترجم زبان فارسی همت کرده و نیز سه مکتب مهم ایران‌شناسی به نام مکتب ایرانشناسی غازان، مکتب مسکو و مکتب سن پترزبورگ در روسیه به وجود آمده است، نسخه‌شناسی کتب و اسناد فارسی و تصحیح شاهنامه فردوسی نیز در روسیه سابقه دیرینه دارد.

ایرانشناسی روس‌ها به اعتقاد مسعود احمدوند با ایرانشناسی دیگران از جمله آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها متفاوت است. او در این باره می‌گوید: پیوستگی جغرافیایی که مواجهه مستقیم ایرانی‌ها و روس‌ها را در پی داشته، به علاوه دسترسی بی‌واسطه روس‌ها به ایران از آسیای مرکزی تا قفقاز و نیز علاقه حکمرانان روسی به همسایه جنوبی به دلیل مسائل ژئوپلیتیکی از مهم‌ترین دلایلی است که ایرانشناسی روس‌ها را با دیگران متفاوت کرده است.

به گفته راینر فرهنگی ایران در روسیه، همزمان با شناخت ایران، روشنفکران روسی به مفاخر ایران هم علاقه نشان داده‌اند از خیام که بسیار در روسیه معروف است تا سعدی، حافظ، فردوسی و... نزد روشنفکران روسیه جایگاه ویژه‌ای دارند. همین‌طور باستان‌شناسان ایرانی که در کشف بازمانده‌های دوره‌های ساسانیان و اشکانیان سهم قابل‌اعتنایی داشته‌اند. گویا رابطه فرهنگی ایران و روسیه در زمان شوروی سابق از سال ۱۹۱۷ میلادی به بعد رسمی‌تر و دولتی‌تر شده و اولین موافقت‌نامه فرهنگی بین ایران و شوروی سال ۱۳۴۵ منعقد شده و همچنان پا برجاست. احمدوند آخرین الحاقیه این قرارداد را مربوط به فروردین امسال می‌داند که به تاسیس مراکز فرهنگی بین دو کشور مرتبط بود.

راینر فرهنگی ایران چه کرده؟

راینر فرهنگی ایران در مسکو از سال ۱۳۷۸ تاسیس شده است تاکنون راینرهای متفاوتی مسؤول رابطه فرهنگی ایران و روسیه بوده‌اند از مهدی سنایی تا مسعود احمدوند و در این سال‌ها برنامه‌های زیادی در این راینر فرهنگی به انجام رسیده است که برخی از آنها به این ترتیب هستند:

- کمک به چاپ و نشر کتاب‌های مرتبط با فرهنگ و زبان فارسی از جمله ترجمه شش جلدی مثنوی، گلستان سعدی، شاهنامه و...
- تهیه فهرست توصیفی نسخه‌های خطی موجود در روسیه
- ترجمه و چاپ و نشر بیش از ۷۰۰ متن معروف فارسی از جمله آثاری از مصطفی مستور، سیدمهدی شجاعی، مهدی آذریزدی و...
- گفت‌وگوهای مستمر ایران و کلیسای ارتدوکس روسیه که شانزده دوره از آن برگزار شده است.

- آموزش زبان فارسی که تا پیش از تاسیس بنیاد سعدی به عهده راینر فرهنگی بوده و حالا با مشارکت راینر فرهنگی برگزار می‌شود.
- برگزاری هفته‌های فرهنگی که بیش از ۵۰ هنرمند در رشته‌های سینما، تئاتر، تجسمی، موسیقی، سفالگری، قلمزنی، مینیاتور و... در جریان این رویداد به روسیه سفر می‌کنند و آثا هنرشان را به نمایش می‌گذارند.
- مشارکت در جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های سالانه روسیه و شرکت در روز ایران در دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی این کشور

- تهیه پادکست ایرانشناسی به زبان روسی با همکاری دانش‌آموختگان دانشگاه روسیه
- تهیه محتوا برای سایت ایران امروز به زبان روسی
- نمایش مستمر فیلم ایرانی به دوبله یا با زیرنویس فارسی در ساعت ۵ عصر هر یکشنبه

- برگزاری جشنواره بزرگ صنایع دستی و مد اسلامی که به‌زودی برگزار می‌شود.
- انتشار مجله ایرانشناسی که در دستور کار قرار دارد.

در کنار برنامه‌هایی که به صورت مستقیم به همت راینر فرهنگی ایران در روسیه انجام شده است، برخی تبادلات فرهنگی دیگر نیز بین ایران و روسیه وجود داشته که از آن جمله می‌توان به حضور مرمت‌کاران ایرانی در روسیه و مرمت ساختمان قدیمی سفارت ایران و آثار ارزشمند تاریخی و هنری موجود در آن اشاره کرد که حوالی سال ۱۳۹۸ اتفاق افتاد. ساختمان قدیمی سفارت ایران در مسکو که بیش از ۲۰۰ سال قدمت دارد سال ۱۸۱۶ بنا شده و از سال ۱۹۲۱ سفارت ایران در این ساختمان استقرار یافته است.

در کنار ارتباطات اینچنینی، طی سال‌های اخیر بارها تندیس مفاخر ایرانی نیز در روسیه نصب شده‌اند. به عنوان نمونه بیشتر از ۲۰ سال پیش، مجسمه فردوسی در محل کتابخانه ادبیات خارجی مسکو نصب شد. همچنین رونمایی از تندیس چهار شاعر ایرانی در مسکو و نیز نصب تندیس حکیم عمر خیام در آستراخان روسیه از دیگر ارتباطات فرهنگی دو کشور بوده است.

چهار شاعری که تندیس آنها در روسیه نصب شده شامل رودکی پدر شعر پارسی، حافظ غزلسرای بزرگ ایران، سعدی شاعر و حکیم و فردوسی حماسه‌سرای بزرگ ایران هستند. این تندیس‌ها در محوطه سفارت کشورمان در مسکو نصب شده‌اند.

تندیس حکیم عمر خیام به عنوان نماد ملی ایران در آستراخان روسیه نیز مرداد سال ۱۳۹۶ رونمایی شد.



یادداشت:
زینب مرزوقی
فرهنگ و هنر

به مناسبت هفتاد و نهمین سالروز تولد فرهاد مهراد: فرهاد تاریخ‌ساز

چشم‌هایت را که می‌بندی و با صدایش که همراه می‌شوی؛ صدای دو رگه و محزونی تو را به همراهی با نواها و کلماتی که خوانده می‌شود؛ و امی دارد. صدای مرد تنهای شبی که از گنجشکک اش می‌شنی می‌خواند. صدای مردی با «چشمای فقیر؛ با چشمای محروم؛ با پاهای خسته» که صورتش را در آینه می‌دید و در گوشت از «شادی شکستن قلک پول» می‌خواند. صدای مردی که از جمعه‌های خونین می‌خواند و دلگیری، دلهره و اضطراب کوچه‌های روزهای تاریک ظلم را در دل تاریخ ماندگار می‌کند. خوب اگر همراهش شوی؛ احساس می‌کنی صدایش شبیه تونل تاریخ است؛ گاهی فریاد است، مثل وقتی که می‌پرسد «عمو یادگار؛ خوابی یا بیدار؟» گاهی هم سیاه و ملتهب است مثل تمام دقایقی که از جمعه خونین می‌خواند. بعضی وقت‌ها هم خسته است؛ مانند وقتی که صورتش را در آینه می‌بیند. بعضی جاها هم اوج می‌گیرد از روی شور و ذوق؛ مثل ذوق کانکاس تا خورده لای کتاب. صدایش مانند تونل تاریخ است. بعضی وقت‌ها هم متعهد و معتقد بود؛ مثل وقتی که از والا پیام‌دار محکم و طوفانی می‌خواند. گاهی صدای یک عاشق است و گاهی آدمی شکست خورده. بعضی وقت‌ها هم دلگرفته است از این مهمان‌خانه مهمان‌کش تاریک.



بدون شک جوانان دهه ۵۰ تا ۶۰ با ترکیب آن صدای اصیل، کلمات پر از صلابت و محکم و ضربه‌های همزمان و ریتم‌دار بر روی پیانو بیشتر خاطره دارند اما مگر صدای می‌توان تنها در یک نسل متوقف کرد؟ مگر صدا خاموش‌شدنی است؟ صدا زیانه آتش است. صدایی همیشه پرفروغ و تازه است. صدایی مثل فرهاد که همیشه اصیل بود و اصیل ماند همیشه می‌تواند خاطره‌ساز باشد؛ چه برای نسلی که امروز پا به سن گذاشته و پدر یا پدربزرگ است و چه بعضی از جوانان دهه هفتاد، که در انتخاب غذای روح‌شان وسواس دارند؛ هنوز هم می‌تواند شنیدنی باشد. شاید اگر هم بگویم صدایی که عمیق، محزون اما امیدوار به ادامه دادن بود این روزها بیشتر به نسل ما دهه هفتادی‌ها شبیه است بیراه نگفته‌ام. فرهاد صدایی برای چند نسل است. مثل مرور تاریخ برای تمام نسل‌ها هم می‌تواند لازم باشد و هم لذت‌بخش.